

حدیث روز:
پیامبر اسلام (ص): خوش قولی، از ایمان است.

واحه:
فراق آمدو آزدیدگان، فروغ رود اگر جفا نکند یار، دوستیش چه سود؟

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۴
اذان مغرب: ۲۰/۳
اذان صبح (فردا): ۴/۴
غروب آفتاب: ۲/۱۶
نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۰
طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۹.

وضعیت آب و هوای امروز

تهران ۲۶ / ۳۸

اراک ۱۵ / ۳۷

ایلام ۱۷ / ۳۲

اصفهان ۱۹ / ۳۹

بندرعباس ۲۸ / ۳۸

تبریز ۱۷ / ۳۱

رشت ۲۱ / ۲۸

یزد ۲۸ / ۴۳

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

شاپا: ۰۰۵۵۱۷۳۵-ISSN ۳۶۳۷
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ | ۲۲ شوال ۱۴۴۲ | صفحه ۲۰ | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۵۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - June 3, 2021

امروز در تاریخ:

✂ سخترانی تاریخی عصر عاشورای

امام خمینی (ره) در مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۲ش)

✂ فتح آندلس به دست مسلمانان (۹۳ق)

✂ درگذشت محمدعلی کلی، اسطوره بوکس

سنگین وزن جهان (۲۰۱۶ش)

حکمت ۳۰:

✂ بترسید، بترسید، به خدا سوگند، که گاه چنان گناه را می‌پوشاند که پنداری آن را بخشیده‌است.

چگونه رئیس جمهوری شویم؟

باتشکر از مارلو براندو

قسمت پنجم

تأثیری که یک دقیقه فیلم روی مغز می‌گذارد به اندازه هزار صفحه متن و ۴۰۰ ساعت سخنرانی است و همین باعث شده نامزدهای ریاست جمهوری علاقه بسیاری به ساخت فیلم تبلیغاتی داشته باشند. شما هم برای این‌که از این قافله عقب نمانید و به شکل تضمینی رئیس جمهوری شوید، حتما باید فیلم خودتان را بسازید که ما به‌هتان می‌گوییم چه جوری.

در باغچه سبزیجات: یک عرقگیر آبی و شلوار گرمکن سبز بپوشید. دمپایی قهوه‌ای لا انگشتی را هم فراموش نکنید. سپس شیلنگ را بردارید و باغچه را آبیاری کنید و پس از آن، بروید داخل باغچه و به معرفی سبزیجات بپردازید. نقطه عطف فیلم، رسیدن به علف‌های هرز است که باید از سر راه برداشته شوند. البته حواس‌تان به تریچه‌ها هم باشد که خب بالاخره می‌توانند نمادی، استعاره‌ای، چیزی باشند. در پایان با یک مشت علف‌هرز از باغچه بیرون بپایید و رو به دوربین بگویید: دوباره پاکت می‌کنم وطن!

الکی مثلا حواس‌تان نیست: یک عده جوان را که کاملاً تصادفی نماینده‌ا فشار مختلف جامعه هستند، بنشانید دور یک میز و خودتان هم در صدر مجلس بنشینید. جوان‌ها درباره سباز کش و رنگ موردعلاقه‌تان از شما می‌پرسند و شما در اوج مصمیمیت به آنها پاسخ می‌دهید. در این میان دختری، از اول جلسه ساکت است و گره‌های فرش را می‌شمارد. شما هم تا آخر فیلم حواس‌تان به او نیست. لکن یک‌دفعه او از می‌پرسید چرا ناراحتی و او که توضیح می‌دهد، اشک در چشمان شما حلقه می‌زند و ما به شما رای می‌دهیم.

تلفن آقای رئیس‌جمهوری: مثلاً نشستۀ‌اید در دفترتان و کلی کاغذ جلوی شماست و سرتان حسابی شلوع است. یک‌دفعه دخترتان زنگ می‌زند به گوشی تلفن همراهتان و خیلی طبیعی با استفاده از متد اکتیونگ و روش‌های بازی استانیسلاوسکی از شما می‌پرسد چه برنامه‌ای برای آینده کشور دارید؟ شما هم باتاسی به مرحوم مارلو براندو و یک بازی زیرپوستی، همه مشکلات را پشت تلفن حل می‌کنید و وقتی دخترتان، زارت تلفن را قطع می‌کند، خودتان هم شوکه می‌شوید که چی شد که این جوری شد، ولی خب خوشسردی‌تان را حفظ کنید. یک‌خداحافظی شیک و مجلسی، بلیت شما برای ورود به پاستور خواهند بود.

همچنان پراید: اینجا اکمان نیست و شما قرار نیست کبرا ۱۱ بسازید که مردم با دیدن بنز و بی‌امو به وجد بیایند. اینجا ایران است و ما عاشق این هستیم که نامزدها را در حال رانندگی با پراید و چگونگی پارک دوبل و دور دو فرمان ببینیم. پس بی خیال این‌که چه خودروهایی در پارکینگ‌تان پارک است و بچه‌ها چی سوار می‌شوند، یک پراید مدل ۸۱ کاربراتوری بگیرید و در محلات جنوب شهر، دور دور کنید. باور کنید تأثیری که چراغ خطر پراید روی آرا می‌گذارد از بازی کلارک گیبل در بربادرفته هم بیشتر است!

خواب‌هایی که تعبیر شد

سال ۶۵ آیت‌ا... بهاءالدینی که از خواص بودند خواب دیده بودند امام لای پارچه سفید پیچیده شده‌اند و ملائک می‌خواهند ایشان را به آسمان ببرند و از آن طرف مردم ایشان را به سمت زمین می‌کشند. در این میان مردم برنده شده بودند و امام را روی زمین نگه داشته بودند.

در همان ایام، همسر حاج‌احمدآقا (فاطی خودمان) خواب دیده

شاپا: ۰۰۵۵۱۷۳۵-ISSN ۳۶۳۷
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ | ۲۲ شوال ۱۴۴۲ | صفحه ۲۰ | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۵۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - June 3, 2021

گفت‌وگو با حاج رضا فراهانی، یار دیرین امام خمینی (ره)

امام (ره) بهترین همسایه دنیا بود

ظاهره آشیانی

روزنامه‌نگار

✂ «سال ۶۵ امام خمینی (ره) در یک روز از ساعت ۴ عصر تا ۹ و نیم شب، ۹ بار سکنه قلبی کردند و در بیمارستان جماران حدود ۴۰ روز بستری شدند. امام را آن سال خدا به ملت ایران برگرداند تا سه کار مهم را به سرانجام برسانند، اول عزل آیت‌ا... منتظری، دوم پذیرش قطعنامه و پایان جنگ ایران و عراق و سوم بازنگری در قانون اساسی.» اینها را حاج آقا‌رضا فراهانی خادم و یار قدیمی امام راحل و خانواده ایشان می‌گوید. آقا‌رضا که از زمان ورود امام به ایران تا همین امروز در کنار امام (ره) و اعضای خانواده ایشان بوده، خاطرات زیادی دارد. خوش‌صحبت است و می‌تواند ساعت‌ها برایت صحبت کند و تو خسته نشوی. یکی از رضایت‌مندی‌هایش این است که در خدمت خانم دکتر فاطمه طباطبایی، همسر مرحوم حاج‌احمد آقا‌قت. عروس دوم امام که آیت‌ا... خمینی (ره) او را «فاطی» خطاب می‌کرده و آقای فراهانی هم خوشحال است که بیشتر از چهل سال است «فاطی خودمان» را می‌شناسد و می‌داند این بانو چه کمالاتی دارد و چقدر محبوب امام بوده. آقا‌رضا چند سالی خانم طباطبایی را به دانشگاه تهران می‌برده و برمی‌گردانده و در همه این‌سال‌ها هیچ‌کس متوجه نشده این دانشجوی عروس امام است، چون راضی نبودند با این شناخت بین او و دیگر دانشجویان تفاوتی قائل شوند. آقای فراهانی بین صحبت‌هایش مدام تأکید می‌کند امام بسیار مردم و همسایه‌ها را دوست داشتند و به آنها احترام می‌گذاشتند و اگر مردم ارادت قلبی به امام دارند به این جهت است که امام نیز قلبا و بدون هیچ ربایی مردم را دوست داشتند.

✂ از باغچه عاطفه تا جماران

آقای فراهانی درباره مهاجرت امام از قم به جماران می‌گوید: زمانی که امام از مدرسه‌رقاه و خیابان ایران به قم رفتند، قرار بود در منزل آیت‌ا... یزدی مستقر شوند اما چون خانه هنوز آماده نبود مدتی در منزل آقای مومنی که کارمند اداره برق بود، ساکن شدند. زمانی که امام به خانه آیت‌ا... یزدی رفتند، با مردم و مسؤولان دیدارهایی داشتند. گاهی هم برای دیدارهای مردمی و سخنرانی به مدرسه فیضیه می‌رفتند. فشرده‌گی برنامه‌های امام آن‌قدر زیاد بود که حاج احمدآقا تصمیم گرفتند در ماه سه روزی امام را ببرند بیرون شهر به باغچه‌ای که داماد امام، آقای اشراقی داشتند تا ایشان کمی استراحت کنند.

این باغچه نامش عاطفه بود و ۳۰۰۰ متری مساحت داشت و خانه‌ای دو طبقه هم آنجا بود. یک روز که امام به باغچه عاطفه رفته بودند، دو خانم به همراه یک بچه خردسال به خانه آقای یزدی مراجعه کردند برای دیدار با امام. همسر شهید بود. با فرزندش از شهرهای اطراف مشهد آمده بودند و زن می‌گفت بچمام سراغ پدرش را می‌گیرد و گفت‌ام پدرت شهید شده اما پدر اصلیات در قم زندگی می‌کند. آوردمش تا امام را زیارت کند و آرام شود. به او گفتند امام نیست و برود و سه روز دیگر بیاید اما او اصرار داشت از راه دوری آمده و نمی‌تواند برود و دوباره برگردد. خلاصه این‌که حاج احمد آقا را دید و خواسته خود را گفت. حاج احمد آقا هم مرا صدا زد و گفت این خانم‌ها و بچه را ببر باغچه عاطفه. ماشین لندرور دستم بود که حاج احمد عراقی داده بود تا کارهای امام را

بود که هواپیمایی می‌آید دم در خانه و خلبان و خدمه می‌آیند بیرون و می‌خواهند امام را ببرند. فاطمه‌خانم از امام می‌پرسد، کجا می‌خواهید بروید؟ امام می‌گوید: نمی‌دانم! آمده‌اند دنبالم و باید بروم. فاطمه‌خانم نمی‌گذارد و می‌گوید: نمی‌شود که بروید. خلاصه نمی‌گذارد امام را ببرند. بعد از چند روز امام تصمیم دارند وضو بگیرند که به یک‌بار به عروس‌شان می‌گویند: وای قلبم سوخت. فاطمه‌خانم هم سریع فرستاد دنبال حاج‌احمدآقا و بقیه. اما این سوزش زود خوب می‌شود. امام دوباره بلند می‌شوند که بروند برای وضو. فاطمه‌خانم می‌گوید: نروید و باید دراز بکشید اما امام بلند می‌شوند و به حیاط می‌روند و فاطمه‌خانم هم دست ایشان را گرفته،



کافه میرداماد

امام خمینی (ره) در خانه جماران

به رعایت حقوق همسایه بسیار اصرار داشتند و نمی‌خواستند کسی از حضور ایشان آزار ببیند. یکی دیگر از همسایه‌های امام، سرهنگ سراج بود که همسری داشت به‌نام ناهیدخانم. خانمی که حجابش را اصلا رعایت نمی‌کرد و باعث شکایت پاسداران شده بود. چند باری به من گفتند و من به ناهیدخانم گفتم که حجاب را رعایت کن و او می‌گفت: «حجاب چی‌ه، آدم باید دلش درست باشه». تا این‌که یک روز پاسدارها مرحوم خلخال را دیده بودند و به او گفته بودند که این خانم حجابش را رعایت نمی‌کند. آقای خلخال هم رفته بود دم خانه سرهنگ و گفته بود که باید خانه را تخلیه کنید و از این محله بروید. خبر به گوش حاج‌احمدآقا رسید و ایشان بدون عبا و عمامه و کفش دودست سمت خانه سرهنگ که آقای توسلی جلوبش را گرفت و گفت این‌جوری خوب نیست شما بروید بیرون. من خودم می‌روم و قضیه را تا به گوش امام نرسیده حل می‌کنم. آقای توسلی رفت در خانه سرهنگ و به او گفت که خانه شما مصادره نمی‌شود و قرار نیست از این محله بروید. نمی‌دانم اگر این خبر به گوش امام می‌رسید چه می‌کردند! یک روز ناهیدخانم به من گفت مردم چرا می‌آیند دیدار آیت‌ا... خمینی؟



را به ما برگرداند. فرصتی داد تا امام چند کار را تمام کنند. خواب‌هایی که دیده بودند تعبیر شد.

✂ لوتی به معنای کسی که ورزش زورخانه‌ای کار می‌کند و مرام و منش پهلوانی دارد، از دوران قاجار باب شد. لوتی‌ها که شاید بشود با ربط دادن حکومت قاجار و رونق تهران، آنها را جزئی از خرده‌فرهنگ‌های تهرانی به حساب آورد، ورزشکارانی بودند که مردم محله حرف‌شان را می‌خواندند و آنها نیز از این برش حرف‌شان در جهت کمک‌رسانی به مردم و امور خیریه استفاده می‌کردند. اگر دست کسی تنگ بود، در یک مراسم لوتی‌گرانه گل‌ریزان در زورخانه مشکلتش را برطرف می‌کردند. اگر به مظلومی ظلم می‌شد، با چماق و قمه حق‌ظالم را کف دستش می‌گذاشتند و خلاصه هر کاری که از حکومت بعضا نامقتدر قاجار برنمی‌آمد را همین لوتی‌ها، این زرتال‌های محلی، انجام می‌دادند.

اما به هر حال هر تعریفی در طول زمان دستخوش تغییر می‌شود و هیچ نانوازاده‌ای تا ابد ناناو باقی نمی‌ماند. بسیاری از لوتی‌ها هم در طول زمان پس از قاجار رسم لوتی‌گری را به‌درستی به جا نیاوردند و از قدرتی که داشتند و حرفی که بین مردم برو داشت، برای اغراض مختلف سوءاستفاده کردند. بالاخره قدرت قدرت است. می‌خواهد در دستمال یزدی باشد یا در میری که وزیر و وکیل پشتش می‌نشینند. به هر صورت که باشد باریکه‌ای است به اندازه تار مو که لغزش روی آن مساوی با سقوط به دره فساد است. اما لوتی‌ها همچنان تا دهه ۳۰ شمسی هم مثل دوران قاجار ابزار یکی از بازوهای حکومت بودند برای برقراری نظم و اجرای هر قانونی که با ازار قانونی توان اجرای آن نبود. همیشه در دسترس بودند، زور داشتند. آدم داشتند و از همه مهم‌تر می‌شد با پول خریدشان.

این بازی محکم حکومت در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ خودش را به‌خوبی نشان داد. وقتی مصدق روی کار آمده بود مردم هم همراهش شده بودند و وضعیت مملکت به طوری پیش می‌رفت که شاه پهلوی در آستانه سقوط بود، این ارادل در لباس لوتی‌ها بودند که به کمک شاهنشاهی نیمه جان آمدند. شاه از کشور فرار کرد و امور را سپرد به نظامیان و سرویس‌های امنیتی آمریکا و انگلیس. آنها هم مثل آنجا که بی‌بھی می‌گوید: «مشتی زند را سیم دادند که حسنت را سنگ زنند.» افتادند به جان مردم کوچه و خیابان و شکستند و خرد کردند و مصدق را کت‌بسته تحویل ارتش دادند.

بعد از این که شاه به کشور برگشت و مملکت را دوباره دست گرفت یک‌دفعه تصمیمش بر آن شد که این بازی بر قدرت را که بدنامی داشت برای حکومتش، قطع کند. خارجی‌ها چه می‌گفتند؟ می‌گفتند شاه ایران را مشتی ارادل بر قدرت نگه داشتند؟

روز پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت آیت‌ا... خمینی را دستگیر کرد، خون مردم به جوش آمد. مردمی که اولاً با سیدروح‌ا... شان علقه معنوی داشتند و او را پدر معنوی خود می‌دانستند و ثانیاً یک بار تلخی رکیبی که ۲۸ مرداد از حکومت خورده بودند در کام‌شان بود.

دیگر این دهه بود که مرز بین ارادل و لوتی‌ها مشخص شده بود. وقتی پول حکومت در کار نباشد، وقتی حکومت ارادل را به اسم لوتی استخدام نکند، دیگر هرکس که واقعا منش پهلوانی داشته باشد می‌ماند در میدان. از خرداد یکی از سران اعتراض که در حمایت امام خمینی (ره) اعتراضات مردمی را رهبری می‌کرد، طبیب حاج رضایی بود. کسی که یک دهه قبل در هیاهوی شعبان بی‌مخ‌ها در پستوی خانه نشسته بود. چون آن روز مرز لوتی و ارادل مشخص نبود. ۱۵ خرداد ۴۲ عیار لوتی‌گری بود.